

# انتشار ویرایش سوم کتاب اسنادی از شکسته شدن ناموس انقلاب

مواجهه جمهوری اسلامی با علمای منتقد (۱)

## اسنادی از شکسته شدن ناموس انقلاب

نگاهی به سال‌های پایانی زندگی آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری  
ویرایش سوم

محسن کدیور



بزرگش ۱۱۰



محسن کدیور

۱۹ مهر ۱۴۰۴

محسن کدیور، *اسنادی از شکسته‌شدن ناموس انقلاب*: نگاهی به سال‌های پایانی زندگی آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری، مجموعه‌ی مواجهه‌ی جمهوری اسلامی با علمای منتقد، دفتر اول، ۱۳۹۱، ویرایش دوم: ۱۳۹۴، ویرایش سوم، لندن: نشر مه‌ری، مهر ۱۴۰۴، ۵۶۴ صفحه.

### یادداشت ویرایش سوم

کتابی که بعد از چهارده سال هنوز در ایران امکان انتشار ندارد، نسخه کاغذی آن در اروپا منتشر می‌شود! همین یک جمله گویای خیلی چیزهاست. آنچه در *مقدمه ویرایش‌های اول و دوم فارسی* نوشتم به قوت خود باقی است. آنچه پیش روی خوانندگان است تحقیقی درباره یکی از شخصیت‌های تراز اول روحانی ایران از اوایل دهه چهل تا اواسط دهه شصت هجری شمسی است. آقای سید کاظم شریعتمداری مهمترین رقیب فقهی آقای سید روح‌الله خمینی بود. هم‌چنان که آقای سید محمدحسین طباطبایی مهمترین رقیب آقای خمینی در حکمت (فلسفه و عرفان) بود. با این تفاوت که آقای شریعتمداری اهل فعالیت سیاسی و ابراز نظر مخالف به شکل عمومی بود، اما آقای طباطبایی چنین نبود. صرفاً به خواص مکرراً گفته بود: نخستین شهید این انقلاب اسلام است. قضایای او و آقای خمینی را *جای دیگر* نوشته‌ام.

این کتاب متمرکز بر مواجهه آقای خمینی با آقای شریعتمداری آن هم صرفاً در سالهای پایانی حیات آقای شریعتمداری است. سالهایی که آقای خمینی رهبر جمهوری اسلامی است و هم‌درس دیروز، یکی از مراجع تقلید بزرگ آن زمان، و بزرگترین رقیب فقهی به تدریج از فضای عمومی کشور حذف و سپس تا آخر عمر محصور

می‌شود. این کتاب بر اساس تحلیل حتی‌الامکان بی‌طرفانه اسناد تاریخی تدوین شده است. بسیاری از این اسناد توسط حاکمان جمهوری اسلامی و خصوصاً نهادهای امنیتی آن و در خاطرات و اظهارات روحانیون حکومتی منتشر شده است. لذا انکار آنها بسیار دشوار است. تحلیل انتقادی این اسناد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به مهمترین چهره دینی خود ظلم کرده است و حقوق انسانی او را نادیده گرفته که بدیهی‌ترین آن ممانعت از اعزام بیمار مبتلا به سرطان به بیمارستان به مدت سه سال و ده ماه و هفت روز و نیز محدودیت فراوان در زمان کفن و دفن و ترحیم ایشان بوده است.

آنچه جمهوری اسلامی با آقای شریعتمداری کرده است، نه اسلامی است، نه اخلاقی، و نه قانونی. ناموس انقلاب با این ستم‌ها شکسته شد. بحث در مواضع سیاسی آقای شریعتمداری یا آقای خمینی نیست. بحث در شیوه مواجهه جمهوری اسلامی با علمای منتقد است. من هنوز فرصت نکرده‌ام دیدگاههای فقهی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آقای شریعتمداری را منتشر کنم. هم‌چنان که بسیاری از ابعاد دیدگاههای آقای خمینی و جمهوری اسلامی جای بحث و تحلیل انتقادی دارد.

این کتاب از سنخ تاریخ اندیشه و در زمره نخستین کارهای این قلم از این زاویه است. قبل از آن یکی دو دهه متمرکز بر تحلیل انتقادی نظریه ولایت فقیه بودم، محصولش چند جلد کتاب و چندین مقاله. از ابتدای دهه نود هجری شمسی فقها را نه صرفاً لای کتاب بلکه در صحنه اجتماع به عنوان انسان‌هایی که برای فضائل و رذائلشان، و برای حب و بغضهایشان باید حساب باز کرد مورد تحلیل انتقادی قرار دادم. در تبارشناسی اندیشه و تحلیل نظریه در متن عمل اجتماعی آشکار می‌شود که گاه دین و سیاست محمل برخی خصلتهای بشری است، و گاهی اساتید اخلاق بدترین بداخلاقی‌ها را مرتکب می‌شوند.

اخیراً هم‌زمان با سی و نهمین سالگرد درگذشت مرحوم آقای شریعتمداری، نسخه کاغذی [ترجمه‌های عربی و ترکی آذربایجانی کتاب](#) در لندن و باکو منتشر شد. [نشر مه‌ری](#) در لندن (ناشر ترجمه عربی) ابراز تمایل کرد که نسخه کاغذی متن اصلی کتاب به فارسی را نیز منتشر کند. موافقت کردم. اکنون برای نخستین بار نسخه فارسی کتاب منتشر می‌شود، البته هم‌چنان مثل نویسنده‌اش در غربت غریبه. امیدوارم به دست هم‌وطنان برسد. از ناشر محترم تشکر می‌کنم. لازم به ذکر است در حینی که کتاب زیر چاپ می‌رفت دکتر غلامرضا باهر (طیب‌العلماء) که در این کتاب ذکری از او رفته است به رحمت خدا رفت (۱۴۰۴-۱۳۲۰).

ویرایش سوم کتاب «اسنادی از شکسته شدن ناموس انقلاب» دو امتیاز بر ویرایش‌های قبلی دارد: اول. افزودن دو پیوست به انتهای کتاب، یکی «کتاب‌شناسی آثار منتشرشده آقای شریعتمداری»، و دیگری «مستند سلیلی زدن ری شهری به مرحوم شریعتمداری در جریان بازجویی». درباره هر دو پیوست در ابتدای آنها توضیح داده‌ام. دوم. نمایه کتاب که بر اعتبار آن می‌افزاید و یافتن مطالب متنوع کتاب را آسان می‌کند.

محسن کدیور

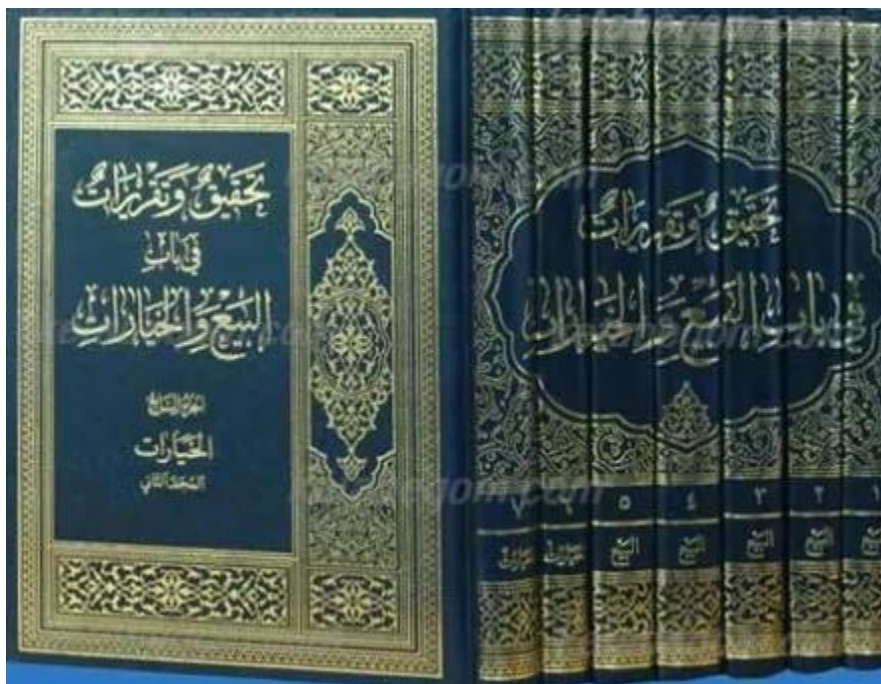
۶ مهر ۱۴۰۴، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵

دانشگاه دوک، دوروم، کارولینای شمالی، آمریکا

\*\*\*

## پیوست اول

### کتاب‌شناسی آثار منتشر شده آقای شریعتمداری



این فهرست شامل کلیه آثار حوزوی آقای سید کاظم شریعتمداری (اصول فقه، فقه فتوایی و استدلالی، و علوم قرآنی) می‌شود، و مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی ایشان را در بر نمی‌گیرد. پیش‌نویس این فهرست به درخواست نویسنده، توسط محسن امامی نواده دختری آن مرحوم تهیه شده (با تشکر از وی) و بعد از ویرایش و طبقه‌بندی در اینجا عرضه می‌شود. در حد اطلاع، این نخستین کتابشناسی آثار مرحوم شریعتمداری است.

#### الف. اصول فقه

۱. اصول الفقه، جزوات، قم: دار التبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۹۷-۱۳۹۹ ق.<sup>۱</sup>
۲. رساله اجتماع الامر والنهی، مقرر: محمدهادی امینی، قم: دار التبلیغ، انتشارات حکمت، بی‌تا.
۳. فروع العلم الاجمالي في الصلوة من العروة وقاعدتي التجاوز والفراغ، مقرر: سید ذبیح الله امامی بیجاری، قم: ۱۴۰۴ ق.
۴. رساله اللباس المشکوک، مقرر: محمدهادی امینی، قم: دار التبلیغ، انتشارات حکمت، دار التبلیغ، بی‌تا.
- ب. فقه فتوایی
۵. رساله توضیح المسائل، تبریز: بی‌نا، ۱۳۵۳ ق / ۱۳۴۱ ش.

<sup>1</sup> این جزوات را شخصا مشاهده نکرده‌ام.

۶. وسیله العباد لیوم المعاد، تبریز: چاپخانه رضائی، ۱۳۷۲ ق / ۱۳۳۱ ش.
۷. مناهج التقی: حواش و تعالیق علی العروة الوثقی، قم: مطبعة علمی، ۱۳۸۰ ق / ۱۳۳۸ ش.
۸. حاشیه بر توضیح المسائل مرحوم آیت الله العظمی [سید حسین] بروجردی، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱ ق / ۱۳۴۱ ش.
۹. مناسک حج، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۸۳ ق / ۱۳۴۲ ش.
۱۰. مسائل متفرقه مربوط به مناسک حج، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۸۵ ق / ۱۳۴۴ ش.
۱۱. وسیله النجاة سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، با تعلیقات سید کاظم شریعتمداری، تهران: چاپ سنگی، ۱۳۸۹ ق / ۱۳۴۷ ش.
۱۲. مختصر الاحکام، تبریز: انتشارات صابری، ۱۳۹۶ ق / ۱۳۵۴ ش.
۱۳. هدایة العباد الی طریق الرشاد، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۹۸ ق / ۱۳۵۷ ش.
- ج. فقه استدلالی
۱۴. رساله المعاملات المنهیه فی الفقه، مقرر: محمدهادی امینی، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، بی تا.
۱۵. رساله کتابات فی القضا یا التشریعیة، مقرر: محمدهادی امینی، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، بی تا.
۱۶. نظارت عمومی اسلامی، تقریر دروس امر به معرف و نهی از منکر بر اساس شرایع، مقرر: سید ابراهیم سید علوی، تهران: بی نا (مرکز پخش مشهد: انتشارات المهدی)، ۱۳۸۷ ق / ۱۳۴۶ ش. (متاسفانه مقرر به اسم استاد کمترین اشاره ای نکرده است!)
۱۷. مناهج الهدایة فی مباحث الاجارة، مقرر: ابو الفضل علملی، قم: دارالتبلیغ، انتشارات حکمت، ۱۳۸۸ ق.
۱۸. تحقیق و تقریرات فی ابواب البیع والخیارات، هفت جلد، مقرر: حسین حقانی زنجانی، قم: نشر تولّ، ۱۴۳۰ ق.
۱۹. تحقیق حول باب الطهارة، دو جلد، مقرر: حسین حقانی زنجانی، قم: نشر تولّ، ۱۴۳۳ ق.
۲۰. القضاء فی الإسلام، [درس خصوصی تک نفره در زمان حصر خانگی، مقرر: سید ذبیح الله امامی بیجاری، بعد از بررسی دقیق و تایید استاد منتشر شده است]، چاپ سنگی، خطاط: محمود اشرفی تبریزی، ۱۴۰۶ ق؛ چاپ دوم: بی جا، بی نا، و بی تا؛ چاپ سوم: تصحیح و تحقیق: جمال الدین صوفی، تبریز: بی نا، بی تا.
- د. علوم قرآنی
۲۱. مباحث حول القرآن، [درس خصوصی تک نفره در زمان حصر خانگی]، مقرر: سید ذبیح الله امامی بیجاری، تاریخ کتابت: ۱۴۱۴ ق / ۱۳۶۳ ش، قم: بی نا، بی تا.
- متفرقه
- یک اقدام مهم در مدینه طیبه: ساختمان حمام، به امر معظم له، ۱۵ صفحه، بی جا، بی نا، بی تا.
- سماحة الامام السید شریعتمداری يتحدث بصراحة، قم، فصل نامه عربی الهادی، شماره ۴، جمادی الاولی

۱۳۹۲ ق (خرداد ۱۳۵۱ ش)، ص ۹ تا ۱۷. (پرسشها از سیدهادی خسروشاهی، تعریب شیخ محمدعلی تسخیری) - آشنایی با فعالیت‌های دارالتبلیغ اسلامی، قم: انتشارات دارالتبلیغ (مجله پیام شادی)، ۱۳۹۷ ق / ۱۳۵۶ ش. ۲

\*\*\*

### پیوست شماره دو

### مستند سیلی زدن ری شهری به مرحوم شریعتمداری در جریان بازجویی



**مقدمه:** در گفتگویی با دکتر غلام‌علی رجایی (متولد ۱۳۳۶) از مشاوران اکبر هاشمی رفسنجانی، و نویسنده کتب متعدد درباره تاریخ انقلاب ۵۷ و بنیانگذار آن، بحث از سیلی محکم محمد محمدی ری شهری (۱۳۲۵-۱۳۹۹) رئیس دادگاه انقلاب ارتش به مرحوم شریعتمداری پیش آمد. تاریخ بازجویی آقای شریعتمداری اواخر سال ۱۳۶۰ و اوایل سال ۱۳۶۱ بوده است. مرحوم شریعتمداری در آن زمان هفتاد و هفت ساله و ری شهری سی و شش ساله بوده است. اگر چه چیزهایی درباره این سیلی شنیده بودم، اما هرگز باور نمی‌کردم اتفاق افتاده باشد. چطور ممکن است قاضی به گونه متهم، آن هم یک فقیه، یک مرجع تقلید، یک سید و یک پیرمرد سیلی بزند؟! فقه و قانون و اخلاق کجا رفته بود؟!

محمدی ری شهری در نقل بازجویی مرحوم شریعتمداری نه تنها چنین چیزی را نقل نکرده بلکه تکذیب هم کرده است که عینا نقل می‌کنم: «تکذیب یک شایعه: سالها پس از این ماجرا [بازجویی و محاکمه آقای شریعتمداری]

<sup>2</sup> این جزوه را هم شخصا ندیده‌ام.

برخی روزنامه‌های ضدانقلاب اسلامی در خارج از کشور شایع کردند که آقای شریعتمداری هنگام بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفته است! این شایعه به تدریج به داخل منتقل شد و برخی هواداران ساده لوح ایشان را تحت تاثیر قرار داد، اما واقع مطلب همان است که عرض شد و با هر کس دیگر که ادعای دیگری دارد، این جانب آماده مباحثه هستم.<sup>۳</sup> ری شهری مشخص نمی‌کند که «چنین شایعه‌ای» در کدام روزنامه‌ها و در چه تاریخی منتشر شده بود، اما «شایعه» مذکور به میزانی از قوت بود که ری شهری را به تکذیب آن در کتابش واداشت. رجایی گفت این واقعه را از «شاهد مستقیم» آن شنیده و او را توثیق می‌کند. اسم شاهد را خواستم. در اختیارم گذاشت، اما از من خواست برای حفظ جان وی اسمش را منتشر نکنم. پذیرفتم. گفت شهادت آن راوی را در تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۳ در کانالی در فضای مجازی پخش کرده است. از او خواستم فایل صوتی خود را در اختیارم بگذارد. چنین کرد. یکی از دانشجویانم آن را پیاده کرد. متن پیاده شده را برای ویرایش و تکمیل در اختیار رجایی گذاشتم. تاریخ ویرایش نهایی وی ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ است. این متن ویراسته را با اجازه راوی عینا برای ثبت در تاریخ اینجا می‌آورم.

در جلسه بازجویی مرحوم شریعتمداری علاوه بر قاضی (ری شهری) و متهم، دادستان انقلاب قم (کرمی)، معاون دادستان انقلاب قم، و دادیار دادستان انقلاب قم حضور داشته‌اند. از این جمع پنج نفره سه نفر نخست از دنیا رفته‌اند. نفر چهارم راوی قضیه به رجایی است. اسم نفر پنجم را نمی‌دانیم. ای کاش دو نفری که در قید حیاتند آنچه دیده و شنیده‌اند را ضبط تصویری و صوتی کنند و اگر در زمان حیاتشان جرأت پخش آن را ندارند، نزد افراد مطمئنی به امانت بسپارند، تا بعد از درگذشتشان منتشر کنند. آنها شاهد یک فعل غیرقانونی، خلاف شرع و ضداخلاقی بوده‌اند و نه تنها اعتراض نکرده‌اند، بلکه چند دهه هم آن را کتمان کرده‌اند.

هرچند از معاون وقت دادستان انقلاب قم (نامش نزد من محفوظ است) که سکوت خود را بعد از چهل و چند سال شکست و قضیه را برای رجایی تعریف کرد، باید تشکر کرد. از رجایی هم که این قضیه را با صدا و مسئولیت خود پخش کرد باید صمیمانه تقدیر کرد. در حد اطلاع من، این نخستین گزارش مستند از قضیه سیلی زدن ری شهری به مرحوم شریعتمداری است. تعلق رجایی به لحاظ سیاسی به «خط امام» (البته در طیف منصف آن) بر اعتبار این روایت می‌افزاید.

<sup>3</sup> محمد محمدی ری شهری، خاطره‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵۸.

## روایت غلامعلی رجایی



«بسم الله الرحمن الرحيم. وعده داده بودم قضیه سیلی زدن آقای ری شهری به مرحوم آیت الله شریعتمداری را بررسی و خدمت دوستان تقدیم کنم. خوشبختانه امروز صبح توانستم با کسی که از نزدیک شاهد این قضیه بوده صحبت و مصاحبه کنم. ایشان که از دوستان خوزستانی و از اهالی آبادان است می گفت: در ابتدای انقلاب من معاون دادستان قم بودم و پرونده مرحوم آقای شریعتمداری هم دست من بود که از ایشان در چند مرحله بازپرسی محترمانه نموده و پرونده را تکمیل کرده بودم.

همه مسائل آقای شریعتمداری در این پرونده ثبت شده بود، که الان بایگانی شده است. یکی از مسائل ایشان در ارتباط با حمایت از کودتاچیان نوژه بود. و مساله دیگر پرونده بحث حمایت شان از حزب جمهوری خلق مسلمان و کارهای مسلحانه ای بود که طرفداران این حزب و ایشان در قم و تبریز کرده بودند

وقتی از ایشان پرسیدم چرا و چطور شد که پرونده مرحوم آقای شریعتمداری را از دادستانی قم به آقای ری شهری انتقال دادید؟ در پاسخ گفت: چون آقای ری شهری در سازمان قضایی نیروهای مسلح مرکز مسئولیت قضایی داشت و محاکمه کودتاچیان نوژه با ایشان بود، لذا پای آقای شریعتمداری هم که طبق اعترافات کودتاچیان از کودتاچیان حمایت کرده بود، به این دادگاه کشیده شد، به این دلیل پرونده را به آقای ری شهری تحویل دادیم.

یک روز عصر ایشان [آری شهری] به دادستانی قم آمد و ضمن سوالاتی از وضعیت پرونده مرحوم آقای شریعتمداری، گفت مسئولیت ادامه رسیدگی این پرونده را به عهده گرفته است. با هم به دارالتبلیغ رفتیم و در یکی از اتاق های آن مستقر شدیم. منزل آیت الله شریعتمداری از طریق راهرویی با دارالتبلیغ ارتباط داشت. ایشان آقای شریعتمداری

را احضار کرد. ایشان آمد و در اتاقی که ما بودیم نشست. آقای ری شهری بازجویی از ایشان را شروع کرد. ابتدا از ایشان پرسید نام؟ مرحوم شریعتمداری گفت: سید کاظم. پرسید: نام خانوادگی؟ پاسخ داد: شریعتمداری. پرسید: شغل تان چیست؟ تا آن مرحوم با صدایی لرزان گفت: «مرجع تقلید هستم»، ناگهان دیدم آقای ری شهری که در یکی دومتري او نشسته بود، با عصبانیت از جا بلند شد، و سیلی محکمی به ایشان زد، و گفت: «مرجع تقلید بودی!» آقای شریعتمداری حین پاسخ به پرسش‌های آقای ری شهری خیلی متاثر بودند. من خودم از نزدیک شاهد این صحنه بودم.

از او پرسیدم شما به آقای ری شهری چیزی نگفتید، که چرا این کار را کرد؟ گفت: «نه! ولی از این حرکت او خیلی تعجب کردیم». پرسیدم: غیر از شما چه کسانی آنجا و در آن اتاق حاضر بودند؟ گفت: «من، و دادستان قم، آقای کرمی،<sup>۴</sup> و دادیار دادستانی قم که اسمش در خاطر من مانده است.» آقای کرمی از مبارزین قبل از انقلاب کرمانشاه بود، که بعدها در عملیات مرصاد گلوله‌ای به پیشانی‌ش خورد و به فیض شهادت نائل آمد.

این کل قضیه بود. ایشان می‌گفت همان روز آقای ری شهری پرونده را از ما تحویل گرفتند و رسیدگی به آن را در امور قضایی نیروهای مسلح ادامه دادند. البته ما پرونده را تکمیل کرده بودیم و حدود یک صد نفر از روحانیون بعضاً ترک‌زبان را در ارتباط با حزب جمهوری خلق مسلمان و این که می‌خواستند در اغتشاشاتی به گمان خودشان قم را آزاد بکنند، دستگیر و در زندانی در کنار ساحل رودخانه [زندان ساحلی قم] زندانی کرده بودیم. چون طبق اطلاعاتی که داشتیم قصد داشتند در قم و بعضی جاها اقدام مسلحانه بکنند.»



[kadivar.com](http://kadivar.com)

<https://kadivar.com/19306/>  
[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.

<sup>4</sup> ذبیح‌الله کرمی کرمانشاهی متولد فروردین ۱۳۳۰ در قریه قمشه از توابع کرمانشاه فرزند شکرالله و فردوس، از طلاب مدرسه حقانی، دادستان انقلاب اسلامی قم (اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰) در سمت قائم مقامی معاونت تبلیغات اسلامی کل کشور در تاریخ هفتم مرداد ۱۳۶۷ در اسلام آباد غرب توسط سازمان مجاهدین خلق در عملیات فروغ جاویدان بر اثر اصابت گلوله کشته شد و در زادگاهش به خاک سپرده شد.